

## عهد نامه آخال ۱۸۸۱م: زمینه‌ها و شرایط منجر به امضای قرارداد

محمد نایب پور<sup>۱</sup>

تاریخ دریافت: ۹۵/۰۷/۱۲

تاریخ پذیرش: ۹۵/۰۸/۱۹

### چکیده

پیمان آخال یا پیمان آخال تکه، یکی از قراردادهای ننگین ایران به شمار می‌رود که از سوی استعمار روس بر ایران تحمیل شد. این قرارداد، میان امپراتوری روسیه و ایران قاجار در ۲۱ سپتامبر ۱۸۸۱م/۲۶ شوال ۱۲۹۹ق بسته شد و هدف آن، تعیین مرزهای دو کشور در مناطق ترکمن نشین شرق دریای خزر بود. پیمان آخال، تأثیر دوگانه‌ای بر ایران داشت. از یک سو، ایران تا حدی از یورش‌های ترکمن‌ها رهایی یافت؛ اما این موضوع به بهای از دست رفتن سرزمین‌هایی تحقق یافت که ناصرالدین شاه ادعای سلطنت بر آن‌ها را داشت. همچنین، خط مرزی کاملاً به نفع روس‌ها طراحی شد.

این تحقیق، پژوهشی توصیفی-تفسیری است و به دلیل ماهیت اکتشافی آن، فاقد فرضیه می‌باشد. شیوه جمع‌آوری داده‌ها اسنادی می‌باشد. هدف پژوهش، این است که ماهیت پیمان آخال و زمینه‌ها و شرایط منجر به امضای قرارداد و تأثیر آن بر شرایط اقتصادی و جغرافیایی را تحلیل و تبیین نماید. یافته‌ها نشان می‌دهد که عوامل چندی از جمله مسائل سیاسی، اقتصادی و غیره بر عقد پیمان آخال تأثیر گذاشت. نتیجه تحقیق نیز حاکی از آن است که روس‌ها با این پندار که تصرف مرو و آخال از سوی آنها، ایران را از تجاوزهای ترکمانان تکه، مرو و آخال نجات می‌دهد و با هدف تحقق مطامع خود، ایران را به عقد قرارداد آخال ترغیب کردند؛ حال آنکه این تعهدیات محلی، سال‌های بعد نیز ادامه داشت و دولت روسیه، هیچ اقدامی به منظور پیشگیری از آن به عمل نیاورد.

**واژگان کلیدی:** پیمان آخال، روسیه تزاری، ایران قاجاری، مرزنشینان.

<sup>۱</sup> دانشیار دانشگاه علوم انتظامی امین، (نویسنده مسئول) [mohamadnayebpour@gmail.com](mailto:mohamadnayebpour@gmail.com)

## مقدمه

دولت روسیه پس از تحمیل عهدنامه ترکمانچای بر ایران که این کشور را به اهداف نظامی و سیاسی اش در شمال غربی ایران رسانده بود؛ این بار، توجه خود را به سمت مرزهای شمال شرقی ایران، یعنی ترکستان و آسیای مرکزی معطوف نمود. روسیه تزاری، دست اندازی به مرزهای شمال شرقی ایران را رسماً از سال ۱۲۶۵ق/۱۸۴۸م آغاز کرد. و بعد از کشته شدن محمد امین خان - حاکم خوارزم توسط سپاه ایران - که همواره، مانعی بر سر راه توسعه طلبی روس ها بود؛ راه نفوذ برای این کشور کاملاً هموار شد.

یکی از قراردادهای تأسّف آوری که در دوران قاجاریه از سوی امپراتوری روسیه بر ایران تحمیل شد، قرارداد آخال است. این قرارداد در پی تصاحب گستره ترکستان و بخش خاوری دریای مازندران در تاریخ ۲۱ سپتامبر ۱۸۸۱م/۲۶ شوال ۱۲۹۹ق، میان میرزا سعیدخان مؤتمن الملک انصاری، وزیر امور خارجه ایران و ایوان زینوویف، وزیر مختار روسیه در تهران منعقد شد. یادآور می شود که دست اندازی روسیه به مرزهای شرقی ایران به دنبال شکست ایران در مرو از سال ۱۲۹۰ق/۱۸۷۳م آغاز شد و در سال های بعد ادامه یافت. تا اینکه ژنرال اسکولف در ۱۸۸۰م/۱۲۹۸ق به سرزمین ترکمانان تکه حمله برد و آخرین پایگاه آنان، یعنی گوگ تپه را به تصرف خود درآورد و ناصرالدین شاه، ناگزیر تن به جدایی آن بخش از گستره ایران از مرزهای شمال خراسان تا رود تجن به نفع روسیه داد. به باور روس ها تصرف مرو و آخال از سوی آنها، ایران را از تجاوزات ترکمانان تکه، مرو و آخال نجات می داد. حال آنکه این تعدیات محلی سال های بعد نیز ادامه داشت و دولت روسیه هیچ اقدامی به منظور پیشگیری از آن به عمل نیاورد.

هدف این پژوهش، بررسی زمینه ها و شرایط منجر به قرار داد آخال و تأثیر آن بر شرایط اقتصادی و جغرافیایی ایران می باشد. این پژوهش بر روش تحقیق تاریخی استوار است و با توجه به ماهیت مسأله، نوع داده های تحقیق، کمی و کیفی می باشد. شیوه جمع آوری داده ها مطالعات اسنادی و رویکرد حاکم بر پژوهش، توصیفی و تفسیری است. این پژوهش به

دلیل ماهیت اکتشافی، آن فاقد فرضیه است و فرایند تحقیق بر محور پرسش تحقیق استوار و در پی پاسخگویی به این سوال است که چه زمینه‌ها و شرایطی، دولت قاجاری ناصرالدین شاه را به پذیرش قرارداد ننگین آخال مجبور نمود؟

## زمینه‌های منجر به انعقاد قرار داد آخال

### الف) موقعیت سیاسی ایران

ساختار حکومتی در عصر ناصری با فساد بی حد و حساب دستگاه دولتی و فروپاشی مقوله امنیت به ویژه در مرزها قابل بررسی است. فساد و قانون شکنی به گونه‌ای باورنکردنی، دستگاه حکومت را فراگرفته بود؛ حتی ناظران خرده گیر خارجی، شدت فساد را به درجه ای که در ایران رواج داشت، نمی دیدند؛ یا یارای گفتن آنچه دیده بودند، نداشتند. انحطاط، فساد و سوء تشکیلات دستگاه دولتی از مهم ترین عواملی بود که به گسترش نفوذ خارجی‌ها به ویژه روس‌ها در ایران کمک کرده بود. در اوت ۱۸۹۵م/۱۳۱۳ق، سرهنگ دوم، پیکوت وابسته نظامی سفارت انگلیس، یک سلسله گزارش، درباره وزارتخانه‌های جنگ، مستمری‌ها و اوقاف، عدلیه، تجارت، پست و تلگراف، گمرکات و امور خارجه به وزیرمختار تقدیم کرد. درباره اداره کل محاسبات قشون و شورای دولتی نیز گزارش‌هایی به نظر او رساند. از صفحات این گزارش رسمی، تصویری از انحطاط، فساد و سوء تشکیلات به دست می‌آید. چرخ دستگاه دولت، تماماً برای تأمین سود مادی عده‌ای اندک از افراد گردش می‌کرد. اخاذی و رشوه خواری و دزدی هر کدام به میزانی باور نکردنی رسیده بود. دیورند در یادداشت مفصل خود که در ۱۸۹۵م/۱۳۱۳ق به وزارت امور خارجه انگلیس تسلیم کرد به تحقیر ایرانیان و دولت آنها پرداخت:

نسل‌ها می‌گذرد که دستگاه اداری فاسد بوده و هست. فکر و ذکر هر مأمور ایرانی کسب سود نامشروع است. بی شک راه و رسم ناصرالدین شاه و دیگران که باید سرمشق باشند به افزایش فساد کنونی یاری می‌کند، در حالی که علت ایجاد فساد به شمار نمی‌رود، و صدراعظم به من گفت که اخیراً کشف کرده است که وزیر پست ... بسته‌های پستی را که گمان می‌کند گرانبهاست شخصاً از پست خانه می‌دزدد(کاظم زاده، ۱۳۷۲: ۲۷۲).

موقعیت جغرافیایی ایران و تحولات سیاسی جهان در قرن نوزدهم میلادی سبب شد تا ایران، صحنه کشمکش هایی شود که خود در ایجاد آنها نقشی نداشت. سیاست استعماری انگلیس در هند، توسعه طلبی روس ها را به دنبال داشت. روس ها بر قفقاز و نواحی وسیعی از آسیای میانه که بخش بزرگی از آن هم متعلق به ایران بود، دست یافتند. بازتاب این سیاست روس ها، تصرف قسمتی از بلوچستان (بلوچستان پاکستان امروز)، توسط انگلستان و تلاش های دیپلماتیک، سیاسی آن دولت برای دست یابی به خلیج فارس بود. در این میان، ضعف دولت قاجاران و عدم کفایت زمامداران به همراه مشکلات اقتصادی، سیاسی و نظامی کشور موجب شد تا ایران نه تنها به مثابه دولتی قدرتمند و مستقل عمل نکند؛ بلکه به ورطه سقوط و اضمحلال نیز کشانده شود. تحولات سیاسی جهان که به اختلاف آلمان و انگلیس منجر شد، روسیه و انگلستان را به هم نزدیک کرد و نتیجه آن در شرق، قرارداد ۱۳۲۵/م ۱۹۰۷ ق بود که به تقسیم ایران، میان دو کشور انجامید (اولریخ، ۱۳۷۷: ۱۰۱۴). نتیجه تبدیل ایران به کشوری نیمه مستعمره، محفوظ ماندن بقایای نظام زمینداری در کشور بود. در این دوره و بر مبنای بهره کشی مشترک مردم ایران، اتحاد قطعی سرمایه داران خارجی با طبقه مرتجع و حاکمیت فئودالی ایران صورت گرفت؛ حاکمیتی که به شبکه عاملان و جاسوسان سرمایه خارجی تبدیل شدند. تشدید ستم ملی و تلاش سرمایه مالی برای ویران کردن استقلال ملی و تابعیت اقتصادی و سیاسی ملت شرق و از جمله ایران را می توان خصیصه فرارسیدن عصر امپریالیسم برشمرد. طبیعی بود که این موضوع، اعتراض ملل ستمدیده توسط امپریالیسم، یا جریان ضد امپریالیستی را در ایران و دیگر کشورهای شرق برانگیزد (Ivanov, 195:183). در این شرایط، کشور ایران که ظاهراً دولتی مستقل بود؛ درگیرودار تضادهای بین دو امپریالیسم و مبارزه دولت های بیگانه و بیش از همه انگلستان و روسیه تزاری در راه حکومت بر این کشور گرفتار بود (Ghlookhoded, 1968:5).

## ب) موقعیت اقتصادی

در پی سیاست‌های اعمالی کشورهای اروپایی و برای سودآوری بیشتر در آغاز سلطنت ناصرالدین شاه، کم‌کم زراعت خشخاش فراگیر شد و عمومیت یافت. در سال ۱۲۶۷ق/۱۸۵۰م در اطراف تهران، تریاک کاری آغاز گردید (اعتمادالسلطنه، ۱۳۶۴: ۳۱۰). از سال ۱۲۷۷ق/۱۸۶۰م به بعد، مسافران خارجی که به ایران آمدند، کم و بیش از شیوع تریاک در ایران یاد کردند. گویا تریاک ایران به علت داشتن مورفین زیاد در تجارت نیز وارد شد و به ویژه انگلیسی‌ها آن را به قیمت خوب می‌خریدند (آدمیت، ۱۳۶۲: ۲۶۴). اواخر سلطنت ناصرالدین شاه، تریاک را منی ده تا دوازده تومان می‌خریدند. بر این اساس، کشاورزان خراسان به این امید، بسیاری از درخت‌ها را بریدند و به جای آن تریاک کاری کردند. رفته رفته، زراعت تریاک، جای گندم را گرفت و نتیجه آن در سال‌های ۸-۱۲۸۷ق معلوم شد که قحطی شدیدی ایران را فرا گرفت و هزاران نفر کشته شدند (اعتمادالسلطنه، ۱۳۶۴: ۷۱۹). در این گیرودار، شرایط نامطلوب توسعه اقتصادی ایران به عنوان تابعی از وضعیت خراب بازار مطرح نبود؛ بلکه نتیجه تحولات اصولی در مناسبات دو جانبه بازار ایران با کشورهای سرمایه‌داری پیشرفته بود. تحت تاثیر سرمایه خارجی اقتصاد ایران به سرعت شکل و حالت استعماری به خود گرفت. رژیم ارتجاعی شاهان قاجار که به طور تنگاتنگی با نظام انحصارات سرمایه‌داری در ارتباط و کاملاً به آن وابسته بود، فعالانه در تبدیل ایران به یک مستعمره کمک و در مسیر گسترش نیروهای تولیدی کشور وقفه ایجاد کرد (Ghlookhoded, 1968: 23-24). در هر حال می‌توان گفت که تحولات اقتصادی ایران این دوره تحولی وابسته بود، زیرا از خارج شکل می‌گرفت و از نظر شکل و دامنه، محدودیت‌های زیادی داشت (فوران، ۱۳۷۸: ۱۷۰).

## ج) موقعیت جغرافیایی

تا شروع قرن نوزدهم، ترکمن‌ها تصمیم گرفتند از شرکت در منازعات ایرانی - خیوه‌ای خودداری نمایند؛ اما این حالت استقلال مآبانه ترکمن‌ها، آنها را در معرض تحمل

فشارهای شدید، نه تنها از جانب خيوه‌ای‌ها، بلکه از سوی حکام ایرانی قرار داد. ترکمن‌ها، نیاز فراوانی به جبران لطماتی داشتند که از جانب روس‌ها در بین سنوات ۱۸۱۰ و ۱۸۲۰م/۱۲۲۴ و ۱۲۳۵ق، بر آنها وارد آمده بود. جالب توجه‌ترین مساله، این بود که خطر مشترک باعث شد تا اکثر قبایل ترکمن که تا آن زمان نامتحد و نامتشکل بودند؛ با یکدیگر متحد شوند. ترکمن‌ها به رهبری قشید خان<sup>۱</sup> و نور وردیخان<sup>۲</sup> علیه دشمنانشان مبارزه کردند و پی در پی آنان را شکست دادند. در نتیجه این فتوحات، آنان، مردمی متکی به خود و مستقل شدند (مفتاح، ۱۳۵۷: ۲۲۶).

در قرن نوزدهم میلادی و در آستانه انعقاد قرارداد آخال ۱۸۸۱م/۱۲۹۹ق، حرکت روسیه در آسیای میانه، پررنگ‌تر و فعال‌تر می‌شود. در عین حال از میزان وابستگی سیاسی - فرهنگی خان‌نشین‌های مستقر در اراضی مذکور به ایران کاسته می‌شود. در سال ۱۸۷۳م/۱۲۸۹ق، خان‌نشین خيوه به رهبری محمد رحیم خان، حاکمیت روسیه را پذیرفت. روس‌ها در ۱۸۸۳م/۱۳۰۰ق، جلگه تجن، واقع در شمال خراسان را تصاحب کردند. بزرگترین اقدام روس‌ها، تصرف مرو بود که در اوایل سال ۱۸۸۴م/۱۳۰۱ق به دست روس‌ها افتاد و به دنبال آن، سرخس نیز به تصرف روس‌ها درآمد (محمود، ۱۳۲۸: ۱۴۴۰). در خصوص مرز ایران با ترکمنستان در سال ۱۸۸۴ و ۱۸۸۶م/۱۳۰۱ و ۱۳۰۳ق خطوط تجدید گردید. از خلیج حسینقلی تا خرابه‌های قلعه بابا دورمز از میانه رود اترک، اراضی یموت و کوکلان بین ایران و روس تقسیم شد. با تعیین کمیسیون مشترک مرزی روس و انگلیس در سال ۱۸۹۵م/۱۳۱۲ق و با موافقت بر سر تقسیم بندی این مناطق، حد جنوبی توسعه ارضی روسیه مشخص شد. در سال ۱۸۹۹م/۱۳۱۶ق، ناحیه ماوراء خزر که ۳۲ سال پیش از این تاریخ به ماوراءالنهر واگذار شده بود، به ترکمنستان داده شد (سارلی، ۱۳۷۳: ۹). بر آگاهان امور آسیای مرکزی پوشیده نیست که سه دهه ۵۰، ۶۰، ۷۰ میلادی از حساس‌ترین دوره‌های

1 Kashid- khan.

2 Nurverdikhan.

تاریخی ملت های آسیای مرکزی به شمار می رود. روسیه با الهام از وصیت پتر کبیر ( ۱۷۲۵ - ۱۶۸۲م )، نیل به راه های آزاد تجارتي و آب های گرم اقیانوس هند را سرلوحه اهداف توسعه طلبانه خود قرار داد. در خلال سال های ۱۸۷۵ - ۱۸۷۰م / ۱۲۹۲ - ۱۲۸۷ق، روس ها با اقدامات جدی و با صرف مخارج گزاف، مناطق جدیدی را اشغال کرده، به تثبیت آن پرداختند. در نتیجه اساس حکومت روس ها در آسیای مرکزی ( ماوراء خزر و ماوراء النهر ) پی ریزی شد. تصرف تاشکند، توسط چرنایف و اشغال خیوه، توسط کافمان از مهم ترین عوامل تعیین کننده در پیش بینی آینده متصرفات روس ها به شمار می رفت. طی سال های ۱۸۸۱ - ۱۸۷۶م / ۱۲۹۹ - ۱۲۹۳ق، با سقوط دیگر نقاط آسیای مرکزی، اهرم فشار روس ها، متوجه ترکمنستان شد و ترکمنان تکه کانون مقاومت این منطقه شدند. در پی این تحولات، ناحیه آخال - استقرارگاه اصلی تکه ها - به میدان رشد آگاهی دینی و ملی، جهت حفظ و پاسداری از کیان و موجودیت ترکمن ها تبدیل شد. در این اوقات با افزایش تهدیدات خارجی، صفوف آنان متمرکز شد و مجلس جمهوریت تکه ها به مذاکره با قدرت های بزرگ همسایه پرداخت و از آنان در جنگ مقدس، علیه کفار روس استمداد طلبید. سرانجام با پیش آمدن فاجعه گوگ تپه، وضع ترکمنان دگرگون شد و قرارداد ۱۸۸۱م/۱۲۹۸ق، که رسماً مناطق ترکمن نشین را از ایران جدا می کرد، موجب بروز معضلات ریشه ای و به هم خوردن ترکیبات عشیره ای و مناسبات سیاسی و اقتصادی گردید (سارلی، ۱۳۷۳: ۳ - ۲).

روس ها نه تنها آرام آرام، بلکه با بوق و کرنا، وحشت و کشتار به سوی فتح سرزمین هایی پیش می رفتند که فقط مالکیت ظاهری آنها با دولت ایران بود. دولت ایران از گذشته نیز، حتی نفوذ اسمی خود را بر این مناطق از دست داده بود. ایرانیان با تعجب آمیخته به تاسف می دیدند که قشون روس به سوی کرانه راست رود تجن و روستای سرخس کهنه پیشروی می کند. در آنجا ایرانیان فارغ از بلای تاخت و تاز ترکمنانان به کشت غلات و برقرار کردن قدرت در میان دسته های کوچک از عشایر تکه و سالور پرداختند. اندیشه دست

یافتن روس ها بر زمین هایی که تازه آباد شده بود، شاه را رنج می داد. شاه همین قدر می دانست که روسیه، احتمالاً سرگرم تهیه مقدمات ضمیمه کردن تمام خراسان به خاک روسیه است. این ترس باعث شد که بار دیگر به جلب حمایت انگلیسی ها پردازد. روس ها در اقدامی مهم، دوستان خانوار از ترکمن های سالور را همراه با دو اسواران قزاق به سرخس کهنه فرستادند. رهبر این ترکمن ها، علی خانوف بود که در حوادث گشودن مرو، نقش اساسی داشت. در نهایت، ایرانیان ساکن در سرخس کهنه، بی هیچ پیکاری رانده شدند.

در مقابل این تحولات در تهران، وزیر امور خارجه، ناصرالملک گفت که ایران در چنان وضعی نیست که بتواند از خود دفاع کند. وزیر مختار روسیه به هر یک از اظهارات دولت ایران با این عبارت پاسخ می داد که: «ایران تعهد کرده است در امور ترکمن های ساحل راست تجن مداخله نکند». روس ها از این تعهد، چنین استنباط کردند که ایران از دعاوی خود نسبت به اراضی ای که روس ها اشغال کرده اند، دست برداشته است (کاظم زاده، ۱۳۷۲: ۸۱-۸۰). در مقابل درخواست شاه مبنی بر حمایت انگلیسی ها از ایران، دولت انگلیس از شاه ایران خواست که حوزه خلیج فارس را به روی بازرگانی انگلستان بگشاید و از این رهگذر، توسعه سریع آن را تضمین کند. قیمتی که گرانویل وزیر مختار انگلیس برای حمایت بریتانیا از ادعای ایران نسبت به سرخس تعیین کرده بود؛ بسیار گزاف بود.

ناصرالدین شاه معتقد بود که یک باریکه زمین واقع در طول رود تجن، ارزش آن همه فداکاری را ندارد که انگلیسی ها از او می خواستند. پس بر آن شد تا بار دیگر با روس ها به مذاکره مستقیم پردازد. به همین دلیل، میرزا حسین خان سپهسالار را روانه سن پترزبورگ کرد. در سن پترزبورگ به نام شاه از دولت روسیه درخواست شد تا قشون خود را از سرخس کهنه بیرون برد و تمام آن ناحیه را در اختیار ایران بگذارد. گیرس به شدت مخالفت نمود و یادآور شد که تنها غلبه روس ها بر ترکمنان کشت و زرع سواحل تجن را برای ایرانیان مقدور ساخته است. گیرس از این بیان مقصودی داشت:



از سال ۱۸۶۱م/۱۲۷۷ق که مردم مرو، قشون ایران را شکست سختی داده بودند، وضع مرزهای شمال خراسان دائما آشفته بود. ترکمن‌ها مدام تاخت و تاز می‌کرده و هزاران تن از ایرانیان را ربوده و به اسارت برده و در خيوه، بخارا و مرو و ديگر شهرهای آسیای مرکزی فروختند. سپاهیان روس، نظم و انتظام را جایگزین اغتشاش کرده و بندگان ایرانی را رها کردند و باعث شدند که بار دیگر در عین صلح و آرامش در واحه‌های واقع در امتداد کوپت داغ و در دره‌های رودخانه‌ها به زراعت بپردازند. آخرالامر، یحیی خان تسلیم شد و در جلب حسن نیت روس‌ها در حق خویش توفیق یافت. (کاظم زاده، ۱۳۷۲: ۸۴).

بدین ترتیب، دولت ایران از اعزام دیپلمات‌های ناتوان خود برای جلب نظر روس‌ها طرفی نبست. پیش از این، دولت روسیه برای این که مانع از اجرای نقشه‌های ایران (پس از آمدن ریش سفیدان ترکمن) شود، در اکتبر ۱۸۷۶م/۱۲۹۲ق به سرلشکر، لوماکین دستور داد که از کرانه‌های دریا به روستای ترکمن نشین قزل آروات، پیشروی و آنجا را تصرف کند؛ تا به عشایر تکه و به ایرانیان نشان دهد که روسیه، ادعای ایران را نسبت به آن ناحیه قبول ندارد و اجازه نمی‌دهد که دامنه فرمانروایی ایران تا آن سامان کشانده شود. در ۱۹ ماه مه ۱۸۷۷م/۶ جمادی الاول ۱۲۹۴ق، روس‌ها روستا را بی‌برخورد به مقاومتی تصرف کردند؛ اما پس از پنج روز، ترکمانان بر آنها تاختند. در نبرد ۲۴ مه روس‌ها پیروز شدند و تکه‌ها تلفات سنگین دادند. لوماکین، ناگزیر عقب‌نشینی کرد. با این همه توانستند ماموریت خود را انجام دهد. ایرانیان از اجرای نقشه‌های خود، مبنی بر مطیع ساختن عشایر تکه منصرف شدند.

بررسی تاریخ توسعه طلبی روسیه در آسیای مرکزی نشان می‌دهد که تصرف قزل آروات، فقط یک عمل تجاوزکارانه اتفاقی نبوده است، بلکه یک قدم مهم برای پیش‌روی‌هایی بوده که مدتی دراز درباره آن اندیشیده و مقدماتش فراهم کرده بودند. بنابراین، دلایل تصرف قزل آروات، مهم‌ترین و دواقع، وحشت‌انگیزترین نشانه‌ای است که مقامات

روسی از نقشه قطعی و عزم راسخ خویش در اجرای سیاست آسیای میانه ای خود به دست داده و ماهیت تجاوزکارانه این سیاست را برملا ساختند (مرکز اسناد وزارت امور خارجه: مکاتبات تاسال ۱۳۲۲ق، کارتن ش ۱۴، موضوع: تجاوزات روسیه به ایران).

انگلیسی ها که از پیشروی روس ها نگران بودند. در صدد بر آمدند که طرز فکر خود را نسبت به ایران تغییر دهند و آن را به جای افغانستان، سپر بلا و مهم ترین وسیله دفاع هندوستان و نگهبان هرات کنند. در سال های ۱۸۸۰ و ۱۸۸۱م/۱۲۹۷ و ۱۲۹۸ق، رهبری عملیات نظامی روس ها در آخال به اسکوبلف، قهرمان جنگ اخیر روس و عثمانی سپرده شد. البته رهبری سیاسی نیروی تحت فرمان اسکوبلف به زینوویف، وزیر مختار روسیه در تهران تفویض شد که شاید بتوان گفت: لایق ترین نماینده ای بود که روسیه تا آن زمان به ایران فرستاده بود. زینوویف برای آماده کردن زمینه لشکرکشی اسکوبلف سخت کوشید. او نه فقط در آرام کردن دولت ایران، بلکه در جلب پشتیبانی دولت در مورد مساله حیاتی تهیه خوار و بار و وسایل حمل و نقل کامیاب شده بود. افسران روس با لباس های غیر نظامی در خراسان فرود می آمدند تا گندم و شتر به مقدار و تعداد فراوان بخرند. هر جا که ماموران ایرانی، آثاری از مخالفت نشان می دادند، ماموران روسی، نشانه ای حاکی از احترام خود به ایشان آشکار می کردند. یکی از عوامل اصلی توفیق روس ها در سرکوب ترکمنان، تهیه آذوقه و بنه از ایران برای این لشکر عظیم بود. به عبارت بهتر، لشکرکشی در ترکمنستان بود، ولی حمایت و پشتیبانی از آن در تهران، توسط سفیر روسیه انجام می شد (مرکز اسناد وزارت امور خارجه، زمان مکاتبه تا ۱۳۲۰ق، کارتن ش ۲۰، موضوع: مکاتبات در مورد حمل یک هزار گندم از قوچان و بجنورد به طرف آخال و تماس با سفارت روسیه در این رابطه).

لشکرکشی اسکوبلف در ماه نوامبر، آغاز و در گئوگک تپه تمرکز یافت:

در نهایت مقاومت ترکمنان در هم شکست: ۶۵۰۰ جسد در قلعه یافتند و ۸۰۰۰ تن از فراریان هم کشته شدند. بدین گونه تمدن در میان ترکمنان رواج یافت. سلطان سابق و

اسمی ایشان، ناصرالدین شاه خیر فتح روس‌ها را از پیک مخصوص شنید که زینوویف فرستاده بود. شاه سخت شادمانی نمود و گفت یقین دارد که این پیروزی بر امنیت مرزهای خراسان و مردم آن سامان خواهد افزود. به باور روس‌ها یکی از علت‌هایی که روسیه را به پیشروی در شرق دریای خزر وادار کرده بود، لزوم تحت تاثیر قرار دادن انگلیسی‌ها و ممانعت از اجرای نقشه‌های ضد روسی در آسیای میانه بود. با این همه در ۱۸ مه ۱۸۸۱ م ۱۲۹۸/ه در گاتچینا یکی از اقامت‌گاه‌های امپراطور واقع در مجاورت سن پترزبورگ، تزار فرمانی صادر و الحاق سرزمین ترکمان نشین ترکمانان تکه و گسترش ناحیه ماوراء خزر امپراطوری روسیه را اعلام کرد. در این گیر و دار گسترش قدرت روسیه تا آخال مستلزم تهدید مرزهای روسیه و ایران در آن سامان بود. مذاکرات میان زینوویف و میرزا سعید خان مؤتمن الملک جریان یافت. دومی از رجال شناخته شده هوادار روسیه بود که به جای میرزا حسین خان سپهسالار به وزارت امور خارجه منصوب شده بود (کاظم زاده، ۱۳۷۲: ۷۱-۴۷).

### مفاد قرار داد آخال

پس از قرارداد ترکمنچای، پیمان آخال، ضربه مهلکی بر تمامیت ارضی ایران وارد کرد؛ زیرا به موجب آن، خان‌های ترکستان و ماوراء النهر که در زمان صفویه، تابع پادشاهی ایران بودند برای همیشه از قلمرو ما جدا شدند و سرحدات شمالی ایران، تقریباً به حدود فعلی رسید. در پایان قرن نوزدهم میلادی / قرن سیزدهم قمری، مناطقی که ترکمن‌ها در آن اسکان داشتند؛ در ترکیب سه دولت ایران، روسیه و افغانستان واقع شد (Loghashova, 1976: 109).

چون اعلی حضرت شاهنشاه ایران و اعلی حضرت امپراتور کل ممالک روسیه لازم دیدند که در طرف شرق بحر خزر سرحد ممالک خود را از روی دقت معین کرده، موجبات آسودگی و امنیت آن جاها را فراهم نمایند، چنین صلاح دیدند که برای حصول این مقصود قراردادی منعقد دارند. لهذا وزرای مختار خود را از این قرار معین داشتند: از طرف اعلی حضرت شاهنشاه ایران میرزا سعید خان مؤتمن الملک وزیر امور خارجه و از طرف

اعلی حضرت امپراتور کل ممالک روسیه ایوان ذی‌نوویف وزیر مختار و ایلچی مخصوص در دربار دولت علیه. ورزای مختار مزبور پس از اینکه اختیار نامه‌های خود را مبادله نموده و آن را موافق قاعده و مرتب به ترتیبات شایسته یافتند، در فصول ذیل متفق‌الرأی شدند.

### فصل اول

در طرف شرق بحر خزر سرحد بین ممالک ایران و روس از قرار تفصیل ذیل خواهد بود: از خلیج حسینقلی الی چات سرحد بین الدولتین بحری رود اترک است، از چات خط سرحدی در سمت شمال شرقی قلل سلسله کوههای سنگوداغ و ساکریم را متابعت کرده و بعد در سمت شمال به طرف رود چندر متوجه شده و در چقان قلعه به بستر رود مزبور می‌رسد. از اینجا در سمت شمال به قلل کوههایی که فاصل دره چندر و دره سومبار است متوجه شده و در سمت مشرق قلل کوههای مزبور را متابعت کرده و بعد به طرف بستر رودخانه سومبار و در ملتقای رود مزبور با نهر آخ آقایان فرود می‌آید. از این نقطه اخیر به طرف شرق بستر رود سومبار خط سرخه محسوب می‌شود الی خرابه‌های مسجد دادیانه و از مسجد دادیانه الی قلل کویت داغ سرحدی راهی است که به درون ممتد است. پس از آن خط سرحدی در امتداد قلل مزبور، به سوی جنوب شرق حرکت می‌کند ولی نرسیده به انتهای تنگه گرماب به طرف جنوب برگشته و را سر کوههایی که فاصل دره سومبار و سرچشمه گرماب گذشته و بعد متوجه به سوی جنوب شرقی شده. از قلل کوههای میزنو و چوب بست عبور و راهی را که از گرماب به رباط می‌رود در محلی ملاقات می‌کند که در یک ورستی شمال رباط است. چون به این محل رسید، خط سرحدی از قلل کوهها الی قلل کوه دالانچه کشیده شده. پس از آن از شمال قلعه خیرآباد گذشته و در سمت شمال شرقی الی حدود گوگ قبال ممتد شده و از حدود گوگ قبال به دربند رود فیروزه تقاطع می‌کند و از اینجا در سمت جنوب شرقی متوجه به قلل کوههایی می‌شود که از طرف جنوب وصل به دره است که راه عشق‌آباد و فیروزه از آن عبور می‌کند و پس از آنکه قلل کوههای مزبور را الی اقصی نقطه شرقی متابعت نمود، خط سرحدی به شمالی‌ترین قله کوه

اسلم گذشته و در سمت جنوب شرقی قتل این کوهها را طی کرده و بعد شمال قریه کلتیه چنار را دور زده و به محل اتصال کوههای زیر کوه و قزل داغ می رسد از اینجا خط سرحد در سمت جنوب شرقی از قتل سلسله زیر کوه کشیده می شود تا اینکه به دررود بابا درومز برسد. بعد از وصول به این محل، به طرف شمال حرکت و در راهی که از گاورس الی لطف آباد ممتد است به جلگه می رسد. به طوری که قلعه بابا درومز در شرق این خط واقع می شود.

### فصل دوم

چون فصل اول این قرارداد نقاط عمده خط سرحد بین متصرفات ایران و روس معین شده است، طرفین معاهدتین کمیسره‌های مخصوص مامور خواهند نمود که خط سرحد را در محل و به طور صحیح ترسیم کرده و علامات را نصب نمایند. زمان و محل ملاقات کمیسره‌های مزبور را طرفین معاهدتین بالاتفاق معین خواهند نمود.

### فصل سوم

چون قلعه جات گرماب و قلقلاب واقعه در دره رودی که آبش اراضی ماوراءالخزر را مشروب می کند در شمال خطی واقع است که به موجب فصل اول سرحد بین متصرفات طرفین است، دولت ایران متعهد می شود که قلاع مزبور را ظرف یک سال از تاریخ مبادله این قرارنامه تخلیه کند. ولی دولت علیه حق خواهد داشت که در ظرف مدت مزبوره سکنه گرماب و قلقلاب را به مملکت خود مهاجرت دهد. از طرف دیگر دولت روس متقبل می شود که در نقاط مزبوره استحکامات بنا نکرده و خانواده ترکمن در آنجا سکنا ندهد.

### فصل چهارم

و چون منبع رود فیروزه و منابع بعضی رودها و انهاری که ایالت ماوراء خزر متصله سرحد ایران را مشروب می کند در خاک ایران واقع شده است، دولت علیه متعهد می شود که به هیچ وجه نگذارد از منبع الی خروج از خاک ایران در امتداد رودها و انهار مزبوره قراء جدیدی تاسیس شده و به اراضی که بالفعل زراعت می شود توسعه داده شود و نیز برای

اراضی که فعلاً در خاک ایران مزروع است بیش از آن مقداری که لازم است نگذارد آب استعمال کنند. محض اینکه این شرایط به طور صحیح اجرا و بدون تعطیل و تعلل رعایت شود، دولت ایران متقبل می‌شود که به قدر لزوم مأمورین صحیح برای این امر معین کند. به کسانی که از مدلول آن تخلف می‌ورزند سیاست سختی برسد.

### فصل پنجم

محض ترقی و پیشرفت مناسبات تجارتي مابین ایالت ماوراء بحر خزر و ایالت خراسان طرفین معاهدین متقبل می‌شوند که در باب ساختن راههای عرابه رو که برای مراودات تجارتي بین ایالات مذکوره مناسب بوده باشد، حتی الامکان زودتر فیما بین قراری دهند که مستلزم نفع جانین بوده باشد.

### فصل ششم

دولت ایران متعهد می‌شود که در تمام سرحد استرآباد و خراسان اخراج هر نوع اسلحه و آلات جنگی را از مملکت ایران سخت ممنوع دارد و نیز تدبیرات لازمه را به عمل آورده، نگذارند که به تراکمه که در خاک ایران هستند اسلحه برسد. کارگزاران سرحدی دولت علیه درباره اشخاصی که از طرف روسیه ماموریت منع خروج اسلحه از حدود ایران دارند، کمال مساعدت و همراهی را منظور خواهند داشت.

### فصل هفتم

محض مراقبت اجرای شرایط این قرارداد و برای مواظبت حرکات و رفتار تراکمه مجاور ایران هستند. دولت روس حق خواهد داشت که به نقاط سرحد ایران مامور معین کند. مأمورین مزبور در مسائلی که راجع به حفظ انتظام و آسودگی صفحات مجاور متصرفات دولتی است واسطه بین کارگزاران طرفین خواهند بود.

### فصل هشتم

تمام تعهدات و شرایط مندرجه عهدنامه‌جات و قرارنامه‌هایی که مابین طرفین منعقد شده است به قوه خود باقی خواهد ماند.

## فصل نهم

این قراردادنامه که به دو نسخه نوشته شده و به امضاء و مهر وزرای مختار طرفین رسیده است، به تصویب و تصدیق اعلی حضرت شاهنشاه ایران و اعلی حضرت امپراتور روس خواهد رسید و تصدیق نامه جات در ظرف چهار ماه و حتی الامکان زودتر در تهران ما بین وزرای مختار طرفین مبادله خواهد شد (وحید مازندرانی، ۱۳۵۰: ۴۳-۱۴۱).

### تاثیر قرارداد آخال بر ترکمن‌ها

با وجود انعقاد عهدنامه آخال، جابه‌جایی تراکمه در مرزها همچنان ادامه یافت. البته لشکرکشی دولت ناصری به اراضی ترکمنان به بهانه اخذ مالیات نیز، مزید بر علت بود تا این روند مشکل ساز همچنان ادامه یابد. به این ترتیب در منطقه ماوراءخزر، شرایطی پدید آمد که اکثریت ترکمنان از دستگاه اداری روسیه تابعیت نمی کردند و از نقاط تردد مرزی برای کوچ داوطلبانه به مرزهای ایران بهره بردند. به این ترتیب، ساکنان دشت ترکمنستان ایران، پیوسته رو به افزایش بود. شایان ذکر است که ترکمن‌ها در منطقه ایران هم، خود را آزاد احساس نمی کردند. پس از تعیین حدود مرزی در سال ۱۸۸۱م/۱۲۹۸ق دولت ایران انتظار داشت؛ حرکت ترکمنان آزاد پایان یابد و آنان را تابع دولت مرکزی سازد. بر این اساس، دولت ایران، لشکرکشی های متعددی را علیه تراکمه ساماندهی کرد. با وجود آنکه ترکمنان اترک و گرگان پس از سال ۱۸۸۱م/۱۲۹۸ق، رسماً تابع دولت ایران شدند؛ اما همواره، به این موضوع مباحثات می کردند که به هر صورت ممکن از مرزهای تحت نفوذ ایران می گذرند (Loghashova, 1986: 113).

پس از انعقاد قرارداد، مشکلات جدی در امر هدایت ساکنان بروز کرد، زیرا دولت ایران، مانند گذشته بر این اندیشه بود که تمام یموت‌ها را لجوجانه تابع خود شمارد. در صورتی که بخشی از آنها به طور دائم در مرزهای روسیه اقامت داشتند. ناگفته نماند که سایر بازماندگان از قبایل یموت هم، تنها برای قشلاق (زمستانگاه) در فاصله چهار تا شش ماه در ایران زندگی می کردند (Ibid: 110). ترکمنانی که فقط در فصل جمع آوری مالیات مورد

توجه دولت بودند و سکنه ایران به شمار می رفتند و از سایر مواهب چون: آسایش، رفاه و امنیت بی بهره بودند. البته، دامنه اقتدار رو به توسعه روس ها در مرزهای ایران به ویژه در امر ایجاد آرامش در مناطق تحت نفوذ خود شرایط مساعد و مناسبی را برای ایرانیان سابق که اکنون تحت حکومت روس ها بودند، فراهم و مهیا نمود. بر این اساس، ترکمنان قتل و غارت را در خاک ایران انجام دادند و عرض خود را بردند و زحمت مردم بی گناه را داشتند. به هنگام تردد ترکمنان با گله های خود به منطقه روسیه برای چرای احشام نیز مالیات مشخصی دریافت می شد که «پاچ» نام داشت. مثلاً در سال های دهه نه قرن نوزدهم میلادی / دهه اول قرن چهاردهم قمری، نرخ مالیات از این قرار بود: با حضور مالک یا چوپان، شمارش گوسفندان گله انجام می شد و با این محاسبه، مالیاتی از پنج روبل برای صد راس گوسفند گرفته می شد. چنانچه، پولی در کار نبود تا دو گوسفند متوسط از میان صد گوسفند به عنوان مالیات گرفته می شد. بازرسان مرزی، جدا مراقب بودند تا به هنگام عبور از مرز، حجم فراوان چای، قند، کالاهای نیمه ساخته و انواع مواد مخدر و سلاح جا به جا نشود (فقط حمل سلاح سرد و سلاح گرم شخصی مجاز بود). به هنگام بازگشت، کالاهایی از جمله مرکب شخصی، توسط مرزبانان مصادره می شد. البته تمام این شرایط، نارضایتی ترکمنان را در برداشت.

پس از تعیین حدود مرزی، ارتباط با ترکمنان از جانب دولت روسیه و نیز از طرف دولت ایران تغییر یافت. دولت روسیه از ترکمنان پرداخت مالیات و رعایت قوانین دولتی را خواستار بود. این درخواست در نهایت به نارضایتی ترکمنانی منجر شد که عادت به رعایت قوانین نداشتند. بر این اساس، بخشی از ترکمنان به ایران کوچیدند. مثلاً در سال ۱۸۹۸م / ۱۳۱۶ق در ناحیه مشهد، بیست سردار ریش سفید از ناحیه کارا کالا (کاراقلعه = قاری قلعه) اسکان گزیدند و حدود ۱۵۰۰ خانواده از ترکمنان یموت و گوکلان هم در انتظار دریافت چراغ سبز برای اسکان در ایران بودند (Ibid:112). دولت روسیه که از اواخر قرن هجدهم میلادی / سیزدهم قمری، شروع به اجرای وصیت نامه پتر کبیر در مورد



دست یافتن به آب های گرم خلیج فارس کرده بود. پس از آنکه در نتیجه دو دوره جنگ با ایران، سراسر قفقاز را تصرف کرد، با انعقاد پیمان آخال توانست دومین مرحله از برنامه توسعه ارضی خود را بدون اشکال زیاد عملی سازد. سومین مرحله این سیاست توسعه طلبانه، بیست و شش سال بعد از این تاریخ با امضای قرارداد تقسیم ایران به مناطق نفوذ، ۱۹۰۷م تامین گردید (مهدوی، ۱۳۸۸: ۲۸۷). وقایع گوگک تپه بر ایران دو تاثیر داشت: از یک طرف تا اندازه ای دولت ایران از دست ترکمن های مهاجم خلاصی یافت، ولی از طرف دیگر، این مسئله، منجر به قرارداد آخال و جدایی و فاصله بین ترکمن ها شد. به گونه ای که بخشی از آنها در ایران و قسمتی در روسیه ماندگار شدند (گلی، ۱۳۶۶: ۱۶۴). معاهده محدود حدود بین ایران و روس (آخال)، ترکمن ها را به دو قسمت تقسیم کرد: ترکمن های تحت قیمومیت روسیه و ترکمن های تحت فرمان ایران. این تقسیم بندی جغرافیایی به دشواری های فراوانی منجر شد؛ زیرا امور معیشتی ترکمن ها بر اساس کوچ استوار بود. طبق معاهده مرزی، دامنه کوچ قبایل دامدار ترکمن تنگتر شد و اساس تحرکات فصلی آنان به هم خورد. برای حل و فصل مناقشات مرزی که ممکن بود بر سر آب پیش آید؛ در این معاهده، مقررات تقسیم آب معین شد. آب از این رو می توانست سبب مناقشه باشد که سرچشمه های آن، همه در ایران بود. برای بهره گیری از زمین های تازه کشت، درباره ساختمان راه های تازه در دو سوی مرز، برای رشد مناسبات بازرگانی، درباره گماشتن ماموران روسیه در نقاط مرزی ایران و برای برقراری نظم و آرامش در سرزمین هایی که با قلمرو دو طرف هم مرز هستند، توافق شد. بلافاصله بعد از تعیین خطوط، پاسگاههای مرزی طرفین استقرار یافتند و این امر در درجه اول با مصالح سنتی - اقتصادی ترکمن ها همخوانی نداشت (سارلی، ۱۳۷۲: ۳۱۹). تربیت معمول ترکمن های دامدار، طبیعتاً از پذیرش اسکان دائمی تحت نظارت حکومت های همسایه اجتناب می ورزید. مقامات روس با دادن تابعیت به قبیله های ترکمن یموت، آنها را از زمین های عشیرتی خود که میان اترک و گرگان واقع بود و برای آنها اهمیت حیاتی داشت، جدا

ساختند. ترکمن ها پس از تعیین مرز، حالت مردمی را یافتند که به دو دولت مالیات می دهند و دو خانه دارند. با برقراری مراقبت های مرزی و گمرکی، ارتباط سنتی-بازرگانی ترکمن های یموت مختل شد. برای عبور از مرز و حمل کالا به قلمرو روسیه و یا ایران عوارض گوناگونی دریافت می شد. ترکمن ها هنگامی که برای چرای رمه های خود به قلمرو روسیه می آمدند، عوارض مخصوصی به نام پاج از آنان گرفته می شد (Loghashova, 1986: 118). بررسی اسناد مبادله شده بین تهران و ایالت های خراسان و استرآباد در اولین دهه انعقاد قرارداد آخال، این حقیقت را روشن می سازد که پذیرش خطوط جدید جغرافیایی برای ترکمن ها دشوار بوده و بارها تعمداً یا بالاجبار آن را نقض کرده و به این جهت، مشکلاتی را برای مامورین مرزی ایجاد کرده اند. باز براساس همین گزارش ها، ترکمن ها برای چرای رمه های خود مجبور شدند، خط مرزی را پشت سرگذارند. به این موضوع، مبادلات تجاری مرسوم با استفاده از راه های تجاری، چون: گمش تپه به خیوه و سرخس به خیوه دامن زده بود و نیز فامیل هایی که در طرفین حدود سکونت داشتند؛ جهت تردد با مشکلاتی مواجه بودند. آنان به محض عبور از مرز، باج های کلان و اعانه هایی، جهت تطمیع ماموران مرزی می دادند و گاه امتعه و کالای آنان، توسط ماموران مرزی مصادره می شد. اسناد مبادله شده بین تهران و خراسان، به شماره ۶۸/۲۲۷: ۶۳.

### تأثیر پیمان آخال بر جغرافیا و اقتصاد ایران

پیمان آخال، یکی از قراردادهای تحمیلی است که از سوی دولت روسیه بر ایران تحمیل شد. هر چند اجرای مفاد این پیمان و پروتکل های الحاقی آن به دلیل اختلاف نظرهای مأموران کمیسیون مشترک و تحمیلات نماینده روسیه به تدریج محقق شد و سال ها به درازا کشید؛ اما بر اثر آن، سرزمین های وسیعی از خاک ایران جدا شد و تأثیرات منفی عمیقی بر سیاست و اقتصاد این کشور برجای گذاشت. از نظر سیاسی، هر چند به باور ناصرالدین شاه، تصرف مرو و آخال از سوی روس ها، ایران را از تجاوزات ترکمانان

مهاجم نجات می‌داد؛ اما این تهاجمات، سال‌های بعد نیز ادامه داشت و دولت روسیه، هیچ اقدامی به منظور پیش‌گیری از آن به عمل نیاورد (Matewef, 1957:28).

به دنبال قتل ناصرالدین شاه، اوضاع ایران رو به وخامت بیشتر نهاد و ضعف حکومت مرکزی بیشتر نمایان شد. این موضوع، خودسری ترکمانان مروی و آخالی مقیم اتک را در پی داشت. تا آنجا که از فرمانبرداری دولت ایران و پرداخت مالیات سرپیچی کردند. بنابراین، ایران از پیمان آخال هیچ نتیجه‌ای به دست نیاورد. در مقابل، روسیه، بیشترین استفاده را برد. همچنین، پیمان آخال به ضرر ترکمن‌ها بود و با مصالح سنتی قوم ترکمن همخوانی نداشت. میان آنان مرز کشیده شده و با قرار گرفتن در دو کشور مستقل، اتحاد آنان به تفرقه گراییده بود. ترکمن‌های ایران که بر اساس موافقت‌نامه دو دولت، هر سال برای چراندن گله‌های خود به آن سوی مرز کوچ می‌کردند؛ باید به هر دو دولت مالیات می‌دادند و این موضوع، مقامات روسی و ایرانی را در جمع‌آوری مالیات دچار مشکل کرده بود (سارلی، ۱۳۷۲).

به لحاظ جغرافیای سیاسی نیز این پیمان بر ضرر ایران بود؛ زیرا خطوط مرزی، کاملاً به نفع روسیه تعیین شد و بهترین زمین‌هایی که ظرفیت فوق‌العاده‌ای برای کشاورزی و دامپروری داشتند از ایران جدا گردید. به گفته لرد کرزن:

روس‌ها در ضمن انعقاد قرارداد مرزی اولاً کوه‌های بلند مرتفع سرحدی را در مرز خودشان انداختند، سپس سرچشمه رودخانه‌ها را نیز جزء خاک روسیه ثبت کردند که هر وقت اراده نمایند آب را از ده‌های ایران قطع کنند و در نتیجه محصول خراسان را تباه سازند. (جرج کرزن، ۱۳۴۹).

علاوه بر این، دولت ایران تعهد کرده بود که اجازه ندهد در امتداد رودهایی که وارد خاک روسیه می‌شود، روستای جدید ساخته شود، یا اراضی زراعی آن مناطق گسترش یابد و یا برای زمین‌های در حال کشت، بیش از حد آب مصرف شود. بر اساس این تعهد، نماینده روسیه، کشاورزی در زمین‌های بین دو روستای ینگلی قلعه و دربند شرقی را که یک فرسخ

مسافت داشت و تقریباً در تمام مواقع سال، توسط کشاورزان ایرانی زراعت می‌شد، ممنوع کرد؛ زیرا گسترش کشاورزی در این منطقه را باعث کمبود آب در منطقه متعلق به دولت روسیه می‌دانست. در سال ۱۳۱۴ق، نیز قزاق‌های روسی در «خان کران»، دو فرسنگی «سرخس ناصری» اقامت گزیده، مجرای آب سرخس ناصری را به سوی سرخس کهنه که در تصرف خودشان بود، برگرداندند. سرخس ناصری رو به ویرانی نهاد و این‌گونه، ناحیه حاصلخیزی از ایران از مدار و چرخه اقتصادی خارج شد (مخبر، ۱۳۲۴).

یکی دیگر از پیامدهای ناگوار عهدنامه آخال برای ایران، تاسیس و استقرار کنسول‌های دو دولت روس و انگلیس در مشهد بود؛ زیرا عمال دو دولت، جدا از قوه نظامی، از قوه سیاسی خود در راستای اعمال نفوذ در سرزمین خراسان و شهرهای اطراف آن بهره می‌گرفتند. در فصل هفتم قرارداد آخال آمده است که دولت روس می‌تواند برای جلوگیری از تعدیات و غارت ترکمن‌ها در رسیدگی به امور آن مناطق، مامورین مخصوص در نقاط سرحدی بگمارد، اما در آن قرارداد، راجع به کنسول یا کنسولگری ذکری به میان نیامده است (جرج کرزن، ۱۳۴۹: ۲۳۷). از نظر روس‌ها، مشهد، محل مخفی سربازان برای تعیین موضع و اعلام خطر بود (کاظم زاده، ۱۳۷۲: ۱۹۳). از سوی دیگر، این یک امر طبیعی بود که چنانچه ایران، امتیازی به روس‌ها بدهد، انگلیسی‌ها در برابر آن اعتراض نمایند. به همین دلیل، آنان هم دست به کار شدند. مشهد هم که به هرات نزدیک بود. انگلیسی‌ها هم طبعاً، مایل بودند که در مشهد، کنسول خود را به خدمت بگمارند. همین که روس‌ها وارد مشهد شدند؛ دلیلی نداشت که شاه انگلیسی‌ها را خارج نگه دارد. در واقع، او انگلیسی‌ها را فراخواند تا بیایند و فشار روس‌ها را تعدیل کنند.

### تاسیس کمیساریای مرزی روس در ۱۸۹۸م

تا پیش از الحاق ترکمنستان به روسیه تزاری در بین ساکنان این منطقه اقداماتی که «آلمان» نامیده می‌شد، به طور گسترده‌ای رواج داشت. آلمان، حملات متقابل گروه‌های ترکمن به قبایل متخاصم و تیره‌های مختلف با هدف غنیمت، انتقام‌گیری به خاطر کشته

شدن خویشاوندان، حمله به روستاهای ایرانی برای گرفتن اسیر، به اسارت بردن آنها و سرقت احشام بود. این اقدامات تلافی جویانه در میان ترکمنان ناحیه ماوراء خزر که بعدها تحت نظارت روس ها قرار گرفتند، تقریباً به زودی کاهش یافت؛ اما ترکمنان یموت و گوکلانی که در اراضی ایران زندگی می کردند حمله به ترکمنان مرزی تابع روسیه را پایان ندادند. آنان پس از سرقت احشام و اموال در مرزهای ایران پنهان می شدند. تجربه چند سال قبل نشان داد که والیان ایرانی در قطع این حملات، بازگرداندن اموال غارت شده و مجازات حمله کنندگان کاملاً ناتوان اند. در ارتباط با این پدیده دولت روسیه در سال ۱۸۹۸م/ ۱۳۱۵ق موفق شد رضایت دولت ایران را در امر ساماندهی منصب کمیساریای ویژه مرزی ایران - روسیه با مسئولیت اقدامات هماهنگ در ممانعت از حملات، پیگرد غارتگران و بازگرداندن اموال، احشام و دارایی ها جلب نماید. (مرکز اسناد وزارت امور خارجه : مکاتبات تا سال ۱۳۲۲ ق، کارتن ش ۱۴، موضوع : مکاتبات مربوط به کمیسیون وقایع گنبد قابوس در خصوص دفع اشرار در مناطق سرحدی و مراسلات سفارت روسیه در این مورد؛ (Matveef, 1957: 14).

پاره ای توفیقات در گسترش نفوذ دولت ایران در بین قبایل ترکمن را باید از پیامدهای ایجاد کمیسار روسیه در گنبد کاووس برشمرد. بدین ترتیب در گنبد کاووس کمیسار ایرانی با گروه محافظان به طور دائم مستقر شد: محافظانی که ترکمنان تنها بدان دلیل که ایشان تحت نظارت کمیسار روسیه بودند، آنها را تحمل می کردند. دولت ایران، نیروهای نظامی را برای جمع آوری مالیات از ترکمن ها فرستاد. نماینده روسیه در گنبد کاووس، تقریباً تا پیش از انقلاب اکتبر سوسیالیستی در میان قبایل ترکمن نفوذ زیادی داشت. اهمیت کمیساریای ایرانی و سایر داروغه های ترکمن به هیچ وجه با کارکرد کمیساریای روس قابل مقایسه نبود (Matveef, 1957: 24). سیاست های کمیساریای مرزی روسیه به پشتگرمی دولت تزاری، شرایطی را فراهم آورد که کمیساریا به مرکز حمایت های معنوی مردم ایران در برابر ظلم مضاعف دولتمردان تبدیل شد. به عبارت دیگر، همزمان با

تضعیف قدرت دولت مرکزی در استرآباد، کمیسار مرزی به قدرت مطلق در آن دیار تبدیل شد. سیاست‌های کمیساریای مرزی روسیه به پشتگرمی دولت تزاری شرایطی را فراهم آورد که کمیساریا به مرکز حمایت‌های معنوی مردم ایران در برابر ظلم مضاعف دولتمردان تبدیل شد. به عبارت دیگر، همزمان با تضعیف قدرت دولت مرکزی در استرآباد، کمیساریای مرزی به قدرت مطلق در آن دیار تبدیل شد. در چنین شرایطی، مردم آزرده از اوضاع موجود برای کسب تابعیت دولت روسیه به کمیساریای مرزی روی آوردند. به این ترتیب ملاحظه می‌شود که روس‌ها از تمام شرایط و فضای سیاسی موجود در ایران به نحو شایسته‌ای به سود خود بهره برداری کردند. بخشی از موفقیت روس‌ها در این دوره، مرهون بی‌کفایتی دولت ایران در مناطق خزری بود که با نفوذ سیاسی روس‌ها و نیز وابسته کردن بزرگان قبایل به خود تکمیل و اجرا شد (مرکز اسناد وزارت امور خارجه: زمان مکاتبات ۱۳۲۰ ق، کارتن ش ۲۶، موضوع: مکاتبات وزارت خارجه با سفارت روسیه در رابطه با اقدام متجاوزانه کمیسر دولت روس به انهدام منزل مشهدی حسن قهوه چی در گنبد قابوس). به عبارت دیگر پس از امضای قرارداد آخال (۱۸۸۱ م / ۱۲۹۹ ق و قرارداد تکمیلی آن تشکیل کمیساریای مرزی در ۱۸۹۸ م / ۱۳۱۵ ق در نواحی شمال شرق ایران ابزار سودمند دیگری بود که به دست روس‌ها افتاد و آنان به قدر کافی برای گسترش سیادت خود در آن منطقه از آن بهره جستند.

شواهد موجود در اسناد، حکایت از آن دارد که کمیساریای مرزی روسیه در گنبد کاوس به عنوان نقطه و مرکز ثقل هدایت عملیات سازمان یافته روس‌ها در غارت و چپاول مردم ایران و تعدی در مرزهای مشترک عمل می‌نمود. ناتوانی مجموعه زمامداران ایرانی و نیز ضعف و ناکارآمدی مسئولان سیاسی در حوزه ایالت استرآباد، شرایط را برای افزایش قدرت سیاسی و اجرایی عوامل روس مستقر در کمیساریای مرزی بیش از پیش فراهم آورد. به صورتی که این کمیساریا به عنوان مرجع حل دعاوی و اختلافات اقشار مختلف جامعه عمل کرد و نیز در دفاع جانانه از منافع دولت روس و اتباع ایشان تلاش مضاعف به

عمل آورد. ناگفته نماند که ظلم و تعدی حاکمان ایرانی و عدم توجه به مشکلات روزمره مردم به این موفقیت روس‌ها دامن زد. (مرکز اسناد وزارت امور خارجه: زمان مکاتبات ۱۳۲۰ق، کارتن ش ۲۶، موضوع: مکاتبات وزارت خارجه با سفارت روسیه (کمیسیون گنبد قابوس)).

### نتیجه گیری

ناصرالدین شاه و اطرافیان ناآگاه او از تحولات داخلی و خارجی، واکنش موثری در برابر پیشروی روس‌ها در مناطق آسیای مرکزی به ویژه نواحی مرزی آخال از خود بروز ندادند؛ زیرا بر این باور بودند که کمترین نتیجه تحرکات روسیه، ایجاد امنیت در مناطق شمال شرق ایران و سرکوب فتنه ترکمنان و یاغیان آن قوم بود؛ اما از پیامدهای آرامش نسبی که در مرزهای شمال شرق حکمفرما شد، از دست رفتن سرزمین‌های ارزشمند ماوراءالنهر و شمال شرق ایران بود و این در حقیقت بزرگترین آسیبی بود که به حاکمیت ملی ایران وارد شد. سقوط گنوگ تپه در ژانویه ۱۸۸۱م/۲۹۸ق، حادثه ای تلخ و فراموش نشدنی در تاریخ ترکمن‌ها است که با بی توجهی و بی اعتنائی دولت ناصری به امور ترکمن‌ها به نیت ایجاد آرامش ظاهری، ولی در باطن با هدف سرکوب ترکمن‌ها همراه بود.

جدا شدن قطعی سرزمین وسیع مرو از ایران در سال ۱۸۸۴م/۱۳۰۲ق از پیامدهای ناگوار عهدنامه آخال و تعیین حدود مرزهای ایران و روسیه بود. عدم مخالفت انگلیس‌ها با سیاست‌های تجاوزکارانه روس‌ها علت لازم و بی کفایتی و اهمال حکام و سیاستمداران ایرانی در اثبات حاکمیت و مالکیت خود بر مناطق آسیای مرکزی و حتی اراضی نزدیک تر همچون قزل آروات، عامل تاثیر گذاری بود که زمینه لازم را فراهم نمود تا روس‌ها بتوانند بدون هیچ مقاومت و مزاحمتی پرچم خود را در آسیای مرکزی به اهتزاز در آورند و به حاکمیت اسمی ایران در آن مناطق پایان دهند. پس از انعقاد عهدنامه آخال از شخص اول مملکت تا سایر زمامداران نواحی و مناطق امیدوار بودند اوضاع اهالی خراسان تثبیت گردد و بهبودی حاصل آید؛ اما این موضوع، نه تنها تحقق نیافت؛ بلکه مهاجرت پیوسته

اهالی و تراکمه به اراضی تحت نفوذ روسیه همچنان ادامه یافت. قبل از انعقاد عهدنامه آخال ۱۸۸۱م / ۱۲۹۸ق ترکمنان تا حدود مزینان و میامی پیش روی می کردند و اهالی را به اسارت می بردند؛ اما پس از انعقاد قرارداد آخال، دامنه نفوذ ترکمنان محدود به صفحات مرزی شد و امنیت نصف و نیمه ای به بهای این امنیت از دست دادن اراضی حاصل خیز حاصل آمد.

ناتوانی دولت مرکزی ایران در ایجاد امنیت در ناحیه استرآباد و نواحی مرزی خراسان، حتی پس از امضای قرارداد آخال موجب شد تا آلمان‌ها یا حملات ترکمنان هم چنان ادامه یابد؛ زیرا والیان ایرانی در قطع این حملات و بازگرداندن اموال غارت شده و مجازات حمله کنندگان کاملاً ناتوان بودند. تمام این شرایط، موقعیتی را فراهم آورد که دولت ایران به تاسیس کمیساریای مرزی در سال ۱۸۹۸م/۱۳۱۵ق در گنبد کاوس رضایت دهد. در حقیقت، هدف کمیساریای مرزی ایرانی در میان ترکمنان و گسترش دامنه نفوذ روسیه تزاری در بین ترکمنان بود. مرور زمان نشان داد که این هدف، توسط کمیسرهای مرزی روس با کمال دقت رعایت شد؛ به بار نشست و نتیجه داد.

## منابع

- آدمیت، فریدون. (۱۳۶۲). امیرکبیر و ایران. تهران: انتشارات خوارزمی.
- اسناد مبادله شده بین تهران و خراسان، آرشیو اسناد و وزارت خارجه مربوطه به سال‌های ۱۳۰۰ تا ۱۳۰۹، مجموعه قراردادها و نامه‌ها، کدبازیابی، شماره ۶۸/۲۲۷.
- اعتماد السلطنه، محمد حسن. (۱۳۶۴). تاریخ منتظم ناصری. تصحیح محمد اسماعیلی رضوانی. تهران: انتشارات زمینه.
- اولریخ، گرگه. (۱۳۷۷). پیش به سوی شرق؛ ایران در سیاست شرقی آلمان. ترجمه پرویز صدری. تهران: کتابخانه سیامک.
- سارلی، اراز محمد. (۱۳۷۳). تاریخ ترکمنستان (چاپ اول). (تهران): موسسه چاپ و انتشارات وزارت امور خارجه.



- فوران، جان. (۱۳۷۸). مقاومت شکننده (چاپ اول). ترجمه احمد تدین. (تهران): موسسه خدماتی فرهنگی رسا.
- کاظم زاده، فیروز. (۱۳۷۲). روس و انگلیس در ایران ۱۸۶۴-۱۹۱۴ پژوهشی درباره امپریالیسم (چاپ دوم). ترجمه منوچهر امیری. (تهران): انتشارات و آموزش انقلاب اسلامی.
- کرزن، جرج ناتانیل. (۱۳۴۹). ایران و قضیه ایران (چاپ اول). ترجمه غلامعلی وحید مازندرانی. (تهران). انتشارات علمی و فرهنگی.
- گلی، امین. (۱۳۶۶). تاریخ سیاسی و اجتماعی ترکمن‌ها (چاپ اول). تهران. نشر علم.
- لوگاشوا، بی بی رابعه. (۱۳۵۸). ترکمن‌های ایران (چاپ اول). ترجمه سیروس ایزدی و حسین تحویلی. تهران. انتشارات آگاه.
- محمود، محمود. (۱۳۲۸). تاریخ روابط سیاسی ایران و انگلیس در قرن ۱۹م. تهران: انتشارات اقبال.
- مخبر، محمدعلی. (۱۳۲۴). مرزهای ایران (چاپ اول). تهران: کیهان.
- مفتاح، الهامه. (۱۳۵۷). تسلط روس‌ها بر مرو، پایان استقلال ترکمن‌ها (۱۸۸۴-۱۸۸۱م). تهران
- مهدوی، عبدالرضا. (۱۳۸۸). تاریخ روابط خارجی ایران از ابتدای دوران صفویه تا پایان جنگ دوم جهانی (چاپ چهاردهم). تهران: انتشارات امیرکبیر.
- وحید مازندرانی، غلامعلی. (۱۳۵۰). مجموعه عهدنامه‌های تاریخی ایران از عهد هخامنشی تا عصر پهلوی (چاپ اول). تهران. انتشارات وزارت امور خارجه.
- Ghlookhoded, W. s. (1968). problemi Economiches Kaya, razvitiia Irana. Moscow. Loghashova, B. R. (1976). Turkmeni Irana. Moscow .
- Matewf, A. M. (1957). sosialon-Politicheskaia barba ve Estrabade (1905-1911). Tashkent: sago.
- Ivanov, m. s. (1952). Ocherk istorii Irana. Moscow.